کارگران نجیب کشور توجه فرمایند !

جریدهٔ پرچم که حامی و انعکاس دهندهٔ آرمانها ومطالبات طبقه کارگر وزحمتکشان افغانستان است،ازتمام کارگران شریف کشوردعوت مینماید تامطالبات ، خواست ها، درد ها، پیشنهادها، انتقادها ونظرات خودرا بجریدهٔ پرچم بفرستند .

پرچم وظیفهٔ خود میداند تا این خواست هارا منعکس سازد وبحیث ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان از حقوق کارگران وتمام طبقات زحمتکش وطن محبوب حمایت نماید .

اخراج ظالمانهٔ کارگران

نساجی پلخمری

خبر نگار پرچم از شهر صنعتی پلخمری اطلاع میدهد که شصت ودو تن از کارگران شعبه کلاوه فابریک نساجی پلخمری، بشمول دو تن از زنان کارگر ، بنابر دستور کار فرمایان دستگاه از حق کار وحداقل دستمزد خود محروم گشته اند و درکوچه وبازار، مانند هزاران بیکارسیه روز دیگر درجستجوی نان وکارسرگردان وبازندگانی غم انگیزی دست وگریبان انه .

خبر نگارما می‌افزاید که اکثریت این کارگران از سنین ۹تا۱۰ مورد بهره‌کشی بوده، سالیان درازی، از صبح تاشام وازشام تاصبح، ۱۲ساعت کارپرمشقت را بخاطرتامین مزدیخور وبتدریج بمیر ، در دشوار ترین شرایطی انجام داده اند ومانندپدران کارگر خود نشاط جوانی، انرژی، نیروی بازو و شیرین ترین دوران حیات خودرا درکنار ماشینها ازدست داده اند .

همچنان گفته میشود که هیات عامل دستگاه نساجی دستور داده است. که علاوه بر اخراج کارگران شعبه کلاوه، یکعده از کار گران باسابقه شعب دیگر فابریک را، که بیش از بیست سال درین دستگاه رنج برده اند، نیز از فابریکه نساجی پلخمری بیرون ریزند.علت این اقدام ظالمانه ، علی رغم بهانه هاییکه گردانندگان اداری و کار فرمایان دستگاه میتراشند ، اینست که از بازار گرم بیکاری موجود استفاده نمایند وکارگران جوان‌تر، تازه دم‌تر وبانیروتری را، بامزدکمتر استخدام ومورد استثمار شدیدتر قرار دهند.

پرچم درحالیکه این عمل زشت کار فرمایان را جداً تقبیح میکند، چاره وضع هلاکت بار کارگران کشور را درین میداندکه طبقه کارگرجوان کمیته های ضد اخراج از کار ، اتحادیه ها وسندیکا های خود را ایجاد نماید وبمبارزات صنفی ، سیاسی و طبقاتی خویش دلیرانه ادامه دهند .

از «ص اول»

تنها با مبارزهٔ ...

هدفهای خاص خود، بوجود آید .

مابادین اصل معتقدیم که تکیه بر اختلافات وپراکندگی نیرو ها بضرر خلق وبر ضد جنبش دموکراتیک و ملی است وبالعکس اتحاد عمل بر پایه نقاط مشترک در مبارزه بادشمن مشترک، زمینه بسروزی را تدا رك میبیند. فقط درعرصهٔ مبارزه فعال و دلیرانه بر ضد د شمن مشترك (ارتجاع داخلی وبین‌المللی) توام با صحبت وانتقاد دوستانه واصولی ومشاوره صادقانه میتوان اختلافات موجود را در بین نیرو های ترقیخواه که جهان بینی علمی وایدئولوژی پیشرو رهنمای عمل شانست،ازمیان برداشت ودرنتیجه علی‌رغم تمام مشکلات موجود از بو ته آزمایش پیروز مندانه بیرون آمد ووحد ت تمام نیرو های ترقیخواه را در یك جر یان واحد تامین کرد .

رفقا ودوستان ما توجه بفرمائید !

ما سیاست تفرقه وافتراق را در میان نیروهای ترقیخواه قویاً محکوم وآنرا عملی‌به‌نفع امپریالیسم وارتجاع داخلی میشماریم ، جریان‌وطنپرست مابه عنوان‌مدافع منافع طبقه کارگر وهمه زحمتکشان شهر وده خلق افغانستان‌باتوجه به‌مسؤولیت‌خطیری که در امر وحدت نیرو های ترقیخواه وطن پرست واتحاد جمیع نیرو های ملی ودموکراتیك دارد، مشی اصلی سیاست خود را مبارزه برای تشکیل جبهه متحد د موکراتیك وملی قرار داده است وباوجود تفاق افکنی‌ها دشواری های بزرگ، باسر سختی ودلیرانه در چو کات‌اصول وبرخورد مترقی دراین راه سعی فراوان‌مبذول حوا هد داشت. زیرا ارتجاع داخلی وامپر یالیسم راصرف با مبارزه‌متحد در یك جبهه واحد میتوان‌واز گون ساخت .

(ب . ك)

فاجعهٔ مرگ غم انگیز یك کار گر جوان

خبر نگار پرچم اطلاع میدهد که‌روز ۳۱ حمل محمد عارف، کار گر ۳۵ سا لهٔ شرکت سرویس ازارتفاع ۱۲ متر سقوط کر د وبعداز برخورد با سقف ساختمان اصلی حا دثه این بود که محمد عارف وظیفهٔ ترمیم تیر مو تر داشت، ولی‌از‌طرف کار فر مای محل جبراً بکاروازار ی نلها بر فراز کادرهای روی بام وا دا شته شد ه بود، چون وی دربین کار مهارت و بلد یت ندا شت در اثرلغزیدن‌سقوط نمود وبطرز غم ا نگیزی جان سپرد.

قرارمعلوم تا کنون چندین بار در اثر بی مبا لاتی کار فرمایان شر کت سرویس همچو حوا دث خونین‌تکرار شده است .

خبر نگار علاوه میکند که جنا زهٔ کار گر جوا ن‌از طرف جمعیت کثیری از کار گران مشا یعت شد ودر مرا سم تدفین وی یك تن ازکارگران شرکت سرویس‌پیرا مون‌وضع‌رقتبار زندگی ، شرا ئط نا مسا عد کار و مطا لبا ت صنفی طبقهٔ کار گر افغانستان بیا نیه ای ایراد کرد .

همکاران پرچم در گذشت الم – انگیز این کار گر جوانرا که حامی و نفقه رسان یکزن و پنج فرزند‌کوچك بود، بخانواده ودو ستان وی وبکلیهٔ کار گران زحمتکش کشور تسلیت میگو یه .

چرا انتخابات ولایتی جرگه شروع نمیشود

مسکوت ماندن جرگه های ولایتی، زیر پاگذاشتن آشکار حقوق‌سیاسی واجتماعی مردم است .

قانون اساسی درماده یکصدونهم به صراحت میگوید: « درهر ولایت ولایت جرگه تشکیل می‌شود،اعضای ولایت جرگه توسط انتخابات آزاد، عمومی، مستقیم و سری از طرف ساکنین ولایت انتخاب میگردند...»

مردم و لایات کشور از خود هیچگونه مقام منتخب د موکراتیك ندارند که حد اقل از حقوق شان در برابر اعمال‌کیف مایشانی‌والیها، ولسوالها، ژاندارم و پولیس د فاع کنند .

مردم جداً جواب میخواهندکه چرا دولت تاکنون که بیش‌ازسه سال – ونیم از قانون‌اساسی کشورمیگذرد، انتخابات جرگه های ولایات را آغاز نکرده وخلق افغانستان را ازاحراز یکی از حقوق مسلم دموکراتیك آنان محروم نگهداشته است ؟

اعتصاب شاگردان بنـوونځـی

میخانیکی کابل

خبر نگار پرچم اطلاع میدهد که درآغاز این هفته چهار صد و پنجاه شاگردلیلیه بنوونځی میخانیکی‌کابل دست باعتصاب درسی ونخوردن غذا زدند .

اعتصاب ۴۸ ساعته طلاب بمنظور بهبود شرایط ناگوار لیلیه ، مطالبهٔ تحصیل بالاتر از متوسطه واز بین بردن کنکور برای تحصیلات ثانوی صورت گرفت .

پـرچـم : مبارزهٔ ایـن طـلاب را با خواست های مشروع آنان‌کاملا قانونی پنداشته و ازآن پشتیبانی مینماید .

پرچم

به دو ربان پښتو ودری فعلابروزهای پنجشنبه نشر می شود

سال تاسیس : حوت ۱۳۴۶

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول : سلیمان «لا یق»

آدرس : غوثی مارکیت محمد جانخان واټ کابل– افغانستان

نمبر حساب جاری جریده: ۳۸۵۳ پښتنی تجار تی بانك.

ا شتراك مر کز: سا لانه ۱۰۰ –افغانی ولایات و پښتو نستان: سا لانه ۱۱۰– افغانی خارج کشور : سا لانه ۱۰دالر

قیمت یك شماره: ۲–ا فغانی

دولتی مطبعه

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان

شماره (هفتم) پنجشنبه ۵ ثور ۱۳۴۷ هـ ۲۵ اپریل ۱۹۶۸ع

اول ماه می

کارگـران جوان وزحمتکشان افغانستان !

جریان دموکراتیك خلق‌افغانستان ورود جشن‌اول ماه‌می(۱۱ثور۱۳۴۷) روز رسم گذشت‌پرجلال اردوی‌عظیم کارگران جهان را به تمام خلق‌کارگر وطن از اعماق قلب شادباش‌میگوید. روز اول ماه می روز تاریخی‌ایست‌که باید کار گران جـوان افغانی جشن پرشکوه خویش را بـر گـزارکنندو درفضای تیره وتار کشور فریادهای «زنده‌باد طبقه‌کارگرجوان‌افغانستان» را بغرش در آورند. سالهاست که وطن مادر بند زنجیر های استبداد وارتجاع گیر افتاده وشعور طبقاتی وسیاسی کار گران کشور همچنان عقب مانده است وحتی طبقه کارگر جوان کشور از روز تاریخی خویش بی‌خبر مانده اند، زیرا ارتجاع‌میداند که پیشرو ترین ومترقی ترین طبقه درجنبش رهایی‌بخش خلق‌افغانستان طبقه کارگر است .

د ر شرایط کنـونی کار گـران افغانستان محرومترین وستمدیده – ترین طبقه ز حمتکش کشور انـد. وضع زندگی کارگران رقت انگیـز وتـوانفرساست ، کار گران کشور تا کنون برای بهبود شرایط زندگی خویش دست به ده‌ها اعتصاب‌زده‌اند ولی هربار بابیرحمی کـار فرمایان ستمگر مواجه گردیده اند .

درجامعهٔ ما فاصله بین فقروثروت روز تـاروز عمیق و عمیقتر میشود وطبقات‌حاکمه ارتجاعی‌واستعمارنوین بیش از پیش سر گـرم تصاحب دسترنج خلق کـارگـر کشور اند. کارگران کشور از مخارج غیرقابل تحمل‌زندگی‌که پیوسته کمرشکن تر میشود ، از نـاچیز بودن دستمزد، ازشرایط خراب کاروحتی عدم‌مراعات به اصطلاح قانون کـار و کار گـر افغانستان، از تهدید بیکاری، ازظلم و ستمگری کار فرمایان و مأموران دولتی ، از عدم مصؤنیت زندگـی اعضای خانواده خویش ودهها مسألهٔ حیاتی دیگر شکنجه میکشند .

هرسال هزاران کار گـر بیـکار میشوند وباسیل‌دهقانانی که‌ازدهات بطرف شهر ها سرازیر میگـردند لشکر انبوهی از بیکاران را تشکیل میدهند . کار گـران از تمام حقوق اقتصادی، اجتماعی‌وسیاسی‌وفرهنگی محرومند. درکشورتاکنون اتحادیه‌ها و سندیکا های کـار گری تشکیل نگردیده است تا بوسیله آن‌کارگران

«ص۲»

تنهابا مبارزه متحد دریك جبهه واحد میتوان برارتجاع پیروز شد

تاریخ نیم قرن‌مبارزات خلق‌کشور ما علیه استبداد، ارتجاع واستعمار گنجینه ایست از تجارب آموزنده که استفاده درست ازآن میتواند سر – مشقی برای مبارزه نجات بخش‌کنونی وآینده ما باشد. مبارزات بیشماهنگان راه آزادی کشور مافراز ونشیب های فراوانی‌راطی‌کرده‌ومواجه‌بشکست – های غم انگیزی شده است. یکی از علل ذهنی این شکستها، همـا نا وجود پراکندگی‌های فکری‌وسازمانی در بین نیرو های ملی بوده که آثار زیانبخش آن تاامروزباقیست.آنچه در وضع کنونی بصورت یك واقعیت سرسخت احساس میشود، لـز وم وحدت واتحاد نیرو های ترقیخواه و وطن پرست، ملی و دمو کراتیك در مبارزه برای دموکراسی واستقلا ل ملی کشور علیه ارتجاع داخلی و امپر یالیسم است .

مراحل مختلف مبارزه هربارووحدت واتحاد نیرو های معین را ضـرور میسازد .

تشخیص هدف درهر مرحله‌مبارزه واقدام‌دلیرانه‌درانتخاب‌متحده‌میتواند پیروزی را تسریع کند، در عکس آن تجارب تلخ وناگوار گذشته تکـرار میشود ونفاق وافتراق جنبش را به عقب می اندازد ویا آنرا مواجـه به شکست رقت آور وطولانی میسازد. لذایکی از عمده ترین مسا یلی کـه اکنون در برابر جنبش دموکراتیك و ملی‌کشور ماقرار دارد، مساله‌تامین وحدت واتحادتمام‌نیرو های‌ترقیخواه وطن پرست ودمو کراتیك‌است .

باید جدآدر نظر داشت که ایجـاد تفرقه ونفاق در جنبش مو جودکشور تنهابه زیان نیرو ها ی تر قیخـواه وطنپرست نیست، بلکه‌بضرر جنبش ودر آخرین تـحلیـل بضـرر خلـق افغانستان می انجا مد .

تجربه کشور ما و ملل جهان نشان مید هدکه فقط با مبارزه متحد میتوان بر دشمن مشترك غلبه کرد. این امر بخصوص درشرایطی‌که تمام‌نیروهای ارتجاعی داخلی و هـمه نیـرو های امپر یالیستی خارجی برای استحکام خویش وسر کوبی نهضت مـلی و د موکراتیك ضد فئودالیـزم و ضد امپر یالیزم در تو طئه واتحاد اند و اندیشه های زهر آگین نفاق فضای کشور را مسموم میسازد، نسبت به هرزمان دیگر ضروری تر است.

تاجاییکه مر بوط بماست‌باید گفت که با تحلیل علمی جا معه کنـونـی افغانستان وتشخیص مسئولیـت تاریخی‌خویش، براین‌عقیده استواریم که راه نجات خلق‌ما از اسارت‌ارتجاع داخلی‌وامپریالیسم‌وقتی هموارخواهد شد که وحدت واتحاد تمام نیرو های ترقیخواه و ملی کشور پایه گذاری شودوجبهه‌واحدی‌ازجریانات، محافل، اورگانهای نشراتی، ساز ما نها و شخصیت هائی که نماینـده طبقات زحمتکش و دموکراتیك باشنـد، بر اساس یك پروگرام عملی مشتر ك وبا حفظ استقلال واید ئولـو ژی و

(درص ٤)

برگزاری روز دهقان

یاتجلیل وتشویق ملاکان بزرگ فئودال

در چند سال اخیر حکومت‌افغانستان‌به منظور اغفال وتحمیق بیشتر توده های‌انبوه دهقانان تهیدست، کم‌زمین وبی‌زمین روزی رابنام‌باصطلاح«روز دهقان» جشن میگیرند.دستکا همای تبلیغاتی دولت باشیوه های مبالغه‌آمیز وفریبنده ای پیرامـون وضـع‌زندگی دهقانان سخنان بر آب وتاب ومفت وارزانی‌رانشر وپخش‌مینمایند‌وبدینوسیله تلاش میورزند بر حقایق تلخ زندگی آنان پـر ده بیفگنـنـد ودهقانان ستمکش کشور را از تشکل ومبارزه باز دارند .

در صورتیکه دهقانان و زحمتکشان دهات افغانستان دیگرازظلم وبیداد ملاکین فئودال‌ومامورین‌دولتی بستوه‌آمده اند. سالـهـا ست که نتـیجـه دسترنج وکار توان فرسای د هقانان زحمتکش کشور از طرف متنفذین و مستبدین واستثمار گران محلی بـه تاراج برده میشود . هم اکنون توده های‌ملیونی‌دهقانان‌کشور سخت‌ترین وجابرانه ترین نوع‌فشار واستثماررا زیرچنگال‌فئودالها، تاجران‌بزرگ‌دلال وملاکین‌بورژوا بیروکـرات متحمـل میشوند .

معهذا محافل حاکمه سیاسی‌نتنها گامی در راه نجات توده های عظیـم دهقانان کشور بر نمی دارند بلـکه علی‌رغم آن‌بالای زخمها ی دیرینـه مردم زیر عنوان«برگذاری روزدهقان» نمك می پاشند وباز هـم ملاکیـن و مالداران بـزرگ راتجلـیل ودر راه استثمار بیشتر دهقانان بینواتشویق مینمایند.درحالیکه‌واقعی‌ترین‌تجلیل ازین طبقه زحمتکش کشور توجه به وضع رقت بار وشرایط اسف انگیز زندگی آنان واجرای اصلاحات عمیق واساسی ارضی‌به نفع‌دهقانان است.

دهقانان وزحمتکشان کشور نان، آزادی وزمین میخواهند!

نـودوهشتمین سالـگردتـولـد لنین

دوست بزرگ شرق ومردم ما

دوم ثور ۱۳۴۷نود و هشت سال از تولد دانشمند بـزرگ ولادیمیر ایلیچ لنین قائد انقلاب کبیر اکتبرو موسس نخستین دولت سوسیالستی جهان وبنیاد گذار دوستی افغانستان وشوروی میگذرد. بدین مناسبت، این روز در سراسر جهان باید آوری از نام، خدمات وآثار شگفت انگیزلنین تجلیل میگردد. لینن به‌صلح‌ودوستی بین ملل اهمیت فراوانی قایل بود. چنانچه نخستین فرمان حکومت‌جوان شوروی که به امضـای لنیـن صادر گردید، فر مان صلح بود .

در اعلامیهٔ دولت شوروی‌خطاب به خلقهای مسلمان‌روسیه وشرق که به امضای لینن انتشاریافت‌گفته‌میشد: « ازین پس معتقـدات و آداب شما، انجمنهای ملی وفر هنگی شما، آزاد ومصئون اعلام میشود. زندگی ملـی خودرا بلامانع وآزاد مطابق میل خود بنانهید . این حق شماست »

در همان‌موقع که جمهوری نوبنیاد شـوروی حمـلات چـهارده د ولت امپریالیستی را دفـع میکـرد، خلق آزادیخواه افغانستان پرچم جنـگ عادلانه نجات بخش ملـی را علیـه استعمار گران انگلیس بر افراشت‌و جمهوری شوروی بلافاصله پشتیبانی خودرا از نیروی ملی افغانستان‌ابراز داشت و«طی اعلامیه‌ئی از تمام کشور های جهان خواست که از اعمال زور در مورد کشور مستقل افغـانستان خود داری نمایند »

جمهوری نو بنیاد شوروی درحالیکه خودش مشغول زدو خوردبامتجاوزین امپر یالیست بود، در حساس ترین مر حله تاریخ، افغانستان‌رابا اسلحه ومهمات جنگی وپول نقد کمك کرد .

اعلیحضرت امان‌الله پادشاه فقید افغانستان طی پیا میکه بلافاصله‌بعد از استقلال کشور بمسکو فرستاد، تمایل مردم افغانستان رابمنظورایجاد استقرار روابط دو ستانه باجمهوری شوروی اعلام نمود .

(درص۳)

فرهنگ خلقهای اوزبک و ترکمن

بخش جدائی ناپذیری از کلتور ملی ماست

شرعی جوزجانی

«انتقال از مرحلهٔ عقب ماندهٔ فیودالی به یک مرحلهٔ جلوتر اجتماعی مترقی مستلزم تربیت و تعلیم مترقی وعصری تمام خلقهای مملکت میباشد. طبقات حاکمهٔ ارتجاعی فیودالی وعوامل استعماری وامپر یا لیستی پیوسته کوشیده‌اند تا در برابر تو سعه وترقی فرهنگ پستندیدهٔ ملی خلقهای کشور وانتشار کلتور مترقی وعلمی جهان در داخل مملکت موانع بزرگی ایجاد کنند تا باین وسیله از تکامل اجتماعی واقتصادی مردم بنفع خود جلوگیری بعمل اورند.

بادرك این مساله که فرهنگ وکلتور جدید افغانستان ملی، خلقی ودمو کراتیك خواهد بود در راه تطبیق پروگرام... زیر بمقصد تجدید حیات فرهنگی... کشور و تکامل آن چد وجهد میشود:

۱ــ تعمیم واجرای تعلیمات اجباری همگانی و مجانی ابتدایی بزبانهای مادری فر زندان کشور در سرتاسر مملکت بعد از سن هفت سالگی (پسر ودختر) بدون تبعیض .

. . . . . مرام دموکراتیك خلق. چهارم: امور کلتوری

خلقهای ز حمتکش ووطن پرست اوزبك وترکمن افغانستان محبوب و که در کرانه های رود خرو شان آمو، در دامنه‌های البرز وتیر پند ــ ترکستان، درجلگه های وسیع بلخ ــ کزین و جوزجان و دشتهای سو زان گسترده شده از فاریاب تا تخار وتالقان و سایر نقاط کشور حیات بسرمیبرند ودوشا دوش سایر خلقهای برادر و نجیب افغا نستا ن اعم از پښتون ، تاجیك، هزاره، بلوچ و... بکار های تولیدی مصروفند.

خلقهای اوزبك و ترکمن درطول تاریخ سیاسی افغانستان ، با دیگر خلقهای دلیر این کشور در یك صف ازاستقلال وحاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان، بحیث نا مو س ملی خویش، دلیرانه دفاع کرده‌وچون پاسبانان صلح وامنیت دریك و طن واحد پر افتخار افغانستان حیات بسربرده‌اند و میبرند. این دو خلق زحمتکش ووطنپرست درتحت‌شرایط غالبا نامساعد آنسوی هندو کش، باصرف نیروی بشر ی خو یش باوسائل و ابزار تولیدی قرون وسطایی بتولید نعمت های ما د ی اشتغال دارند و یك قسمت مهم محصولات وطن عزیز از قبیل پنبه، پشم، قالین، پوست‌قره قل، اقسام میوه وانواع حبو بات راکه اقلام‌مهم مواد صادراتی کشور ما را تشکیل میدهد، تولید مینمایند و در تقویهٔ بودجه و تمویل پلانهای انکشا فی دولت سهم قابل ملاحظه ای‌میگیرند.

خلقهای اوزبك و ترکمن در عین حا لیکه سنگینی «پا شنهٔ آهنین» طبقات حاکمه، بیك و خان وار با ب «کله‌خوران» و فیودالان محلی راروی سینهٔ خود احساس مینما یند ، سالهاست که از ناحیهٔ ستم ملی واحساس محرو میت از فر هنگ وکلتور خویش که توسط محافل حاکمهٔ ارتجاعی افغانستان اعما ل میشود ، نیز رنج عظیم میبرنـد. درطی ده ها سالی که از استقلال افغانستان میگذرد، نه تنها کوچکترین توجهی به احیای فرهنگ این خلقها صورت نگرفته و بوجودآن اعتراف نشده، بلکه برعکس مر تجعینی هم وجود داشته اند کـه مو جـودیت فرهنگ آنانرا غیر قابل تحمل (!) تلقی‌نموده اند و حتی بیشر ما نه افغانستان بحیث اجزای غیر قا بل انفکاك فـرهنگ ملـی افغا نستان شناخته شودودر راه رشدوانکشاف جنبه های مثبت و مترقی آنها توجه جدی مبذول گـردد وبخاطـر نشر ومعرفی آنها توسط جرائد، را دیو ودیگر وسایـل نشراتی اقـدا مات مؤثر صورت بگیرد، بر اساس این مشی‌دموکراتیك خلق، «پر چم» بعد ازین سعی خواهد کردتادر پیرا مون کلتور خلقـهای اوزبك و تـر کمن افغانستبتان معلوماتی بهـمو طنـا ن گرامی‌تقدیم‌دارد وعملا درراه‌شکفتگی فرهنگهای افغانستان محبوب‌گامهای مؤثر وجدی بردارد .

«حریك از خلقها دا رای تاریخ، فرهنگ، هنر وادبیات خود ا ست وهر خلـق صرف نظـر از خـردی یاپزرگی آن درساختمان فـر هنگ جهانی حصه میگیرد، بنابرین تاریخ هریك ازفرهنگهایی که بنام خلقهای مختلف یاد میـگردد درعیـن ز مان جزءلاینفك تاریخ فرهنگ عمو می جهان نیز میباشد» خلقهای اوز بك وترکمن افغانستان نیز مدنیتی کهن وفرهنگی غنـی دارنـد و در تعمیم وانکشاف علم و فن، هنر واد بیات کشور و جهان پنو یه خـود سهم گرفته، دانشمندانی بزرك، شاعران ونو یسند گـان عالیمقامـی چـو ن علیشیر نوایی، ملك الکلام لطفی ــ هروی، اتایی بلخی، دربیك،سکاکی، مشرب، مخدوم قلی، غیبی،یوسف ــ خـاص حاجب ، نادره ، مقیـمی ، سید قلی چوز جانـی، نیازی بلخی ودهاتن دیگر در آغوش خودپرورده وبادیگر خلقهای افغانستان رو ابط مادی ومعنوی نزدیك وخلل ناپذیری داشته‌اند.

فرهنگ این دوخلق نیز زیا ن، ادبیات، عنعنات، رسم وروا جها ، انواع علوم وفنون، مسائل اخلاقی وفلسفی وانواع جهان بینی ها یی راکه این خلقها درطول حیات‌تاریخی خویش داشته‌انـد و بالاخره تما م مظاهر مادی ومعنوی مدنیتی را که اساس گذاشته اند در بر میگیرد. مادر آینده در اطراف زبان وادبیات ودیگر گوشه های تمدن و فر هنگ این دوخلق معلوماتی بـهمو طنا ن عزیز تقدیم خواهیم کرد.

از «ص اول»

اول ماه ...

بصورت د ستـجمعـی از حـقو ق وآزادیهای خویش‌دفاع کرده بتوانند.

معهذا علی‌رغم هرگونه تضییقات واختناق، خطر بیکاری، فقرو بیخانمانی طبـقـه کـار گـر جـوان کشو ر درحوزه های‌صنعتی کابل، در کلبهار وجبل‌السراج ، در پلخمری، بغلان وقندوز وقندهار دست‌به اعتصاباتی زده اند و قدم بقدم شعور طبقاتی و سیاسی خویش را کسب میکنند ودرنهضت کارگری وسیاسی کشور سهم فعال میگیرند .

کارگران جوان افغانستان !

جریان دموکراتیك خلق‌افغانستان نسبت به مبارزات شما احترام‌عمیق میـگذارد ، آینـده از شمـاسـت ! پیروزی های عظیم طبقه شمادرجهان روز افزون است . در شما نیروی خلاقی نهفته است، آنرا بیدارسازید وبرای تأمین حقوق مسلم و قانونی خویش ونجات خلق افغانستان‌ازیوغ استثداد، ارتجاع ، استثمار ونفوذ استعمار وامپریالیسم متشکل شوید ومبارزه کنید !

یکی از مهمترین و ظـایف طبقه کار گـر افغانستان تقـویه نهضت کارگری وتشکیل سندیکاهای‌صنفی، اتحادیه های‌کارگری وایجاد کمیته‌های دفاع از حقوق بیکاران است .

کـا ر گـران کشو ر ! مگذارید کارفرمایان خودسر مؤسسات‌صنعتی و ساختمانی رفقای شمارا از کـار اخراج کنند .

کار گـران کشور ! برای احقاق حقوق خویش از تمام اشکال مبارزه استفاده کنید، سطح آگاهی طبقاتی خودرا بالا ببرید، باتألیف جسارت واحتیاط درنهضت صنفی و سیاسی شرکت کنید وبرای آزادی تشکیل اتحادیه های صنفی واقعـی مبارزه کنید !

وحدت واتحادکارگران افغانستان نیرومند ترین ضامن پیروزی نهضت دموکراتیك و مـلی وشرط اساسی بهبود وضع مادی ومعنوی کارگران ومهمترین گـام در راه آزادی آنهـا و دیگر طبقات زحمتکش افغانستان است .

نجات طبقه‌کارگروتمام‌زحمتکشان کشور تنها از طریق اصل وحدت، سازمان ومبارزه امکان پذیر است.

بپیروز باد وحدت طبقه کار گـر افغانستان د ر راه مبارزات صنفی وسیاسی !

شاد وپرشکوه بادجشن اول‌ماه‌می روز همبستگی کارگران وزحمتکشان جهان !

سلطان علی (کشتمند)

سیاست درهای باز

اقتصاد ناتوان کشور را ناتوان تر میسازد

بسیاری از ممالك کم رشد که د ر شرایط مشابه بکشور ما قرار دارند، به‌این نتیجه رسیده‌اند کـه بـدون ایجاد پا یه های مستحکم ا قتصادی واتخاذ پا لیسی صحیح درین مورد نمیتوان بعقب افتادگی های دیر پته پایان داد و فاصلهٔ عمیـقی را کـه بین آنها و کشور های‌پیشرفته‌جهان وجود دارد، کوتاه ساخت. تـجارت خارجی در راه تحکیم این پا یه ها وایجاد ز مینه بر ای رشد سا لـم اقتصادی ویا عکس آن نقش عـمده دارد. کنترول درست و سوق‌تجارت خارجی درجهت مثبت برای صنعتی کردن کشور، حمایه صنایع دا خلی، مدر تیـزه کـردن زراعت وتامین نیازمندیهای عامهٔ مردم کمك میکند، اما تعقیب سیاست در های باز موجب ور شکستگی ورکود صنایع دا خلی، تورم‌پولی، افزایش قیمتها، بیکاری و آوارگی توده های ز حمتکش مردم میشود. ادامهٔ سیاست واردا تی در های باز که تنها خواست ومنافع کشور های امپر یالیستی رابر آورده میسازد، افـغانستان را بـه یا زار فروش امتعهٔ‌صنعتی اینکشورهامبدل مینماید، اسعار ما در بدل امو ال تجملی غیر ضروری واجناس‌مستعمل وبار مانده دیگران (سالانه بیشتر از یك ملیون دالر جهت خر یداری اجناس کهنه‌امریکایی) به‌مملکت‌میرود. ورودبی‌بند وبار امـوال خار جی وباز گـذاشتن سر حـدات شرقی، غربی و جنوبی کشور بر روی اموال قاچاقی، کم کیفیت اماارزان قیمت، که غالبا نه فقط بیفایده بلکه مضر میباشد، صنایع خیلی جوان‌ونوبنیاد داخلی را بارقابت نامتساوی مواجه میسازد ورشد سریع آنـرا مانع میشـود، کنتـرول اسعار خارجی ازدست میرودوارزش افغانی‌دربرابر آن روز بروز پائین میافتد. جریان تمرکز و کنترول بازهم زیادتر افغانی واسعار خارجی به‌چند دست‌تشدید میگردد، طوریکه هم اکنون یك عدهٔ محدود تاجر کمپرادور، دلال ومحتکر داخلی‌وتجار ونمایندگیهای کشو ر ـ های سرمایه داری بر آن‌تسلط کامل دارند وهرور بمقصد کسب سو د بیشتر نـرخ آنـرا بـالا و پا ئین می‌آورند، که حتی دافغانستان بانك (بانك‌مرکزی) ناگزیر است‌نوسا نات نرخ اسعار را در بازار سیاه تعقیب نماید و نر خهای اسعاری خـود را برطبق آن تعیین کند. نتیجه جبری این امر تضعیف روز افزون افغانی وسقوط قدرت خر ید آن میباشد.

اقدام حکومت در زمینه به‌اصطلاح رفورم پـولـی در آغاز سال ۱۳۴۲ کـه در اثر آن نـر خهای متـعد د اسعاری تبدیل به سیستم دو گانه نرخ اسعارگردیده، پروسه (جریان) تضعیف افغانی را در برابر دالـر بطور روز افزونی تشدیدکرد. محافل حکومتی کو شیدند ثابت کنند کـه تضعیف افغانی‌برای‌تشویق‌صادرات، تقویت قدرت رقابتی اموال داخلـی در بازار جهانـی ، استـقـرار نرخ اسعار خارجی‌و بهبودوضع‌اقتصادی کشور مفید بوده است ، ولی‌تجربه ثابت ساخت که یکی ازین رؤیا ها به حقیقت نپیوست ، نه تنها مقدار صادرات پس ازین به اصطلاح‌رفورم بیشتر نگردیده، بلکه حجم‌صادرات اکثر اقلام عمدهٔ صادراتی از یکسال تا سال دیگر کـاهش یافت ، زیرا امتعهٔ صادراتی افـغانستان از آن نوع تولیداتی نیست که این امـر انگیزه‌ئی بـرای رشد و انـکشا ف سریع ومداوم آن شده‌بتوانست . بهترین مثال ، وضع صادرات‌پوست قره‌قل است که در سال «رفـور م پولی» تشویق گردید واکثرمالداران بدون در نظر گرفتن وضع نسلها ی آینده قره قل تعداد بیشتر بره های نو زاد را کشتند ودر نتیجه‌سالهای بعد سطح صادرات قره قل پائین افتاد . در سال ۱۳۴۱ یعنی سال قبل از «رفـورم» ۱٫۷ ملیـون جلد پوست قره‌قل صادر گردیده بودکه بااین «رفورم» تعداد آن دفعتاً بـه ۲٫۲ ملیون جلده ارتقا کرد ، امـا در سالهای بعدی (۴۳ و۱۳۴۴) ایـن رقم به ۱٫۵ ملیون جلد پائین آمد . عواید اسعاری آن نیز عروج ونزول ناگهانی صادرات این قلم عـمـد ه تجارتی را نشان میدهد .

عواید حاصله از ناحیه صدورقره‌قل د ر سال ۱۳۴۱ بـه انـدازهٔ ۱۱٫۹ ملیون دالر بـود کـه در سال ۴۲ دفعتاً به ۱۶٫۸ملیون‌دالر بالارفت‌وبا همان سرعت دو باره پائین افتادکه کـه رقـم ۴۱ ر ۱۲ مـلـیـو ن دالر بـرای سال ۴۳ بـهـتـریـن گـواه این امر است‌کـه «رفورم پولی» د ر راه تشویق صادرات ، سرابی بیش نبوده است. درکتاب پیشرفت پلان وتحلیل اوضاع اقتصادی اعتراف میگردد :« در حجم صادرات قره‌قل در حدود ۱۱ فیصد تنقیص رو نما گردیده است (مقایسه بین سال‌های ۴۴ و۴۵) وهمچنان ارزش این‌امتعهٔ صادراتی به اندازهٔ ۲۷ فیصد سقوط نموده است »

قدرت رقابتی اموال داخـلـی در بازار جهانی نیز نه فقط تقو یت‌نشد بلکه تضعیف گردیده و بـهـترین شاهـد آن رکـود وضع اسف‌انگیز قـالین ما دربـازار های اروپایی و امریکائی است . مفکورهٔ استـقـرار نرخ‌اسعارهم عملی‌نشد که نشد. نرخ غیر رسمی دالر در افغانستان بانك در سال ۴۲ از ۵۰ افغانی فی دالـر به ۶۰ ، ۶۵ ، ۷۰ و ۸۰ افغانی‌رسید وسر انجام از اینهم نیـز جـاوز کرد .

به همه معلوم است که تاثیر این رفورم قلابی‌دربهبود وضع اقتصادی کشور هم چنـدان مشهود نیست بسیاری از مردم ما ایـن اقـدام را چیزی جز عقب نشینی در مـقـابـل فشار صندوق وجهی بین المللی و محافل‌امپریالستی‌نمیدانند. صندوق وجهی بین المللی وامپر یالیسم بـا وعده کمك در امر برطرف سا ختن مشکلات کنونی کشور سعی کردند برای رسوخ بعدی سرمایه‌حـصوصی امپریالیستی شرایـط مساعد تـری بدست آورند.

درست است که ما بنابر فقدان، ضعف و محدودیت اکثر رشته ها ی صنعتی در داخل کشور به‌بسیار ی از اجناس خارجی نیاز مندیم ،امـا به چه نوع اجناس ؟ آیا آن اشیا ی تجملی وبی لزوم که ورود آنهارا زاید‌ومورد استفاده گروه معدود ی صاحب امتیاز جامعه قرار میگیرد ؟ یا اجناسیکه نظیرآن در داخل‌کشور تولید شده میتواند ؟ ویا امتعهٔ نـی که رفع ضروری ترین نیاز مند یهای تولیدی ومصرفی ما را کرده بتوانه وانگیزه‌ئی برای رشد تو لید داخلی باشد ؟ آیا تاسف آور نـیست در کشوریکه اکثریت عظیم مردم آن به نـان شبا روزی محتاجنـد ، بـرای اقلیتی نا چیز وسربار جامعه لوازم آرایش وتجمل گران قیمت به‌آخرین مود روز وارد شود ؟

منافع مردم‌افغانستان حکم‌مینماید که باید تجارت خارجی وسیلهٔ نـی باشد جهت تامین بازار های‌مطمئن برای اموال صادراتی افـغانستان ، رشد وررونق تولیدداخلی ، جلوگیری از فرار وخروج اسعار خارجی بـه منظور صرفه‌جوئی ،ذخیره ومصرف آن در امورتولیدی،جلوگیری‌ازورود اموال تجملی‌وبی لزوم‌وآن اجناسیکه رقابت تولیدات داخلی را به مشکل روبرو میسازد وباعث تعطیل‌وور ــ شکست صنایع داخلی میشودو مانع رشد بعدی آن میگردد. ما در شماره های آینده پرچم به این موضوع که باچه نوع‌تجارت وباکدام یك ازحوزه های تجارتی ایـن مامول بـر آورده میشود ،روشنی خواهیم افگند .

نود و هشتمین سالگرد تولد لنین...

از (ص اول)

درین پیام چنین اظهار شده بود : «ازآنجاییکه شما، حضرت دو ست محبوب وبزرگ‌من، رئیس جمهـور کشورمعظم روسیه باتفاق‌دیگررفقای خود، دوستان‌بشریت وظیفه‌پرافتخار وشرافتمندانه مراقبت از صلـح و آسایش افراد رابعهده‌گرفته اید من خوشوقتم ازاینکه برای اولین بار از جانب ملت ترقیخواه افغانستان پیام دوستانه واقعی کشور مستقل‌وآزاد افغانستان را ارسال میدارم»

لنین در جواب نـو شت: «پس از دریافت اولین پیام تبریك از طـرف ملت آزاد و مستقل افغانستان بمردم روسیه ... عاجلا از جانب حکو مت کارگری و دهقانی و همه مردم‌روسیه به ملت افغانستان که قهر مانانه از آزادی خود در مقابل استیـلا گران اجنبی دفاع میکنند متقابلا تبـر یك میگوئیم »

باین پیامهـای دوستانـه سنگ مستحکم تهـداب روابط سیاسی بین افغانستان‌واتحادشوروی گذاشته‌شد.

لینن در تـامهٔ دیـگری بـه پادشاه افغانستان نوشت :

«حالیه کشور بزو منه افغانستان یگانه کشور اسلامی مستقل دنیاست وتقدیر این وظیفه تاریخی خطیـر را بعهده ملت افغانستان گـذاشته که خلقهای مظلوم واسیـر مسلمـان را پیرامون خود متحد سازد وآنها رابه راه آزادی واستقلال سوق دهد »

همچنان در سند مهم سیاسی‌سوم جون سال ۱۹۲۱ که باشرکت‌مستقیم لنین تنظیم شد، به‌نمایندگان‌سیاسی اتحاد شوروی‌راجع‌به اصول‌سیاست خارجی دولت شوروی در مورد‌کشور های شرق چنیـن اشعار گـردید : «سیاست ما سیاست صلح و همکاری بین تمام ملت هاست درحال حاضر که ملل شرق به علت عقب ماند گی اقتصادی از تحکم وستم اقتصـادی اجنبی رنج میبـرند روسیه شـوروی سوسیالیستی دوست طبیعی‌آنهاست سیاست ما در شرق تجاوز کارانـه نیست، سیاست ما سیاست صلح و دوستی است. شما باید بطور منظم این اصل اساسی را در تمامی فعالیت خود نشان دهید وبخصوص درکابل هدف اساسی فعالیت‌شما بایدتوسعه دو ستی ما باافغانستان باشد.منظور از دوستی،معاضدت و همکاری‌متقابل است و ما بر اساس تمایل خود در زمینه کمك به پیشرفت‌وترقی کشور دوست ما افغانستـان آمـاده ایم که دراین عرصه صلح آمیز به قدر قدرت وتوانایی خود تمام کمك های لازم را به آنکشوربنمائیم.شما بایدخواستها واحتیاجات افـغانستان را در نظر بگیرید وتمایل دولت افغانستان را برای‌ما روشن سازید تا ما بتوا نیم بقدر امکان خود برشد وتر قـی آن کمك کنیم ....»

لنین دوست بزرگ افغانستان به تحکیم سیاست دو ستانه دو کشور همسایه‌توجه‌فراوانی مبذول‌میداشت، چنانچه از آن تاریخ تاکنون دو ستی وهمکاری خلل ناپذیر خلق‌آزادیخواه افغانستان‌باخلق وکشورصلحدوست اتحاد شوروی رویه توسعه می نماید .

زنده باد مناسبات د وستانـه و همکاری دایم التزاید افغان شوروی بخاطر صلح، استقلال ملی وترقی!